

نقش تعرفه ترجیحی در یکپارچگی نظام تعرفه‌ها در سازمان تجارت جهانی^۱

محمد حبیبی مجنده^۲

عضو هیئت‌علمی و دانشیار دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مفید

حسین اسماعیل نسب^۳

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل

دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مفید

قم، وکیل دادگستری

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۹

چکیده

تفاوت سطح توسعه‌یافتگی و لزوم هماهنگی تجاری میان کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی موجب شده است تا کشورهای عضو به منظور دستیابی به توسعه پایدار و حمایت از صنایع نوپای داخلی‌شان، به استفاده از ترتیبات تجارت ترجیحی و دیگر اشکال تجاری، خارج از این سازمان و میان خود، روی بیاورند. امری که می‌تواند در درازمدت، در کاهش نرخ تعرفه‌های اعمالی کشورها و یکپارچگی نظام تعرفه‌ها از سوی آنان، بنا بر قواعد سازمان تجارت جهانی مؤثر باشد. این پژوهش، به شیوه توصیفی به بررسی اعمال تعرفه ترجیحی میان کشورهای سازمان تجارت جهانی با توجه به قوانین مبارزه با دامپینگ، اصول لیبرالیسم اقتصادی و تسریع در یکپارچه‌سازی نظام تعرفه‌ها در بخش صنعت پرداخته است و به این نتیجه دست یافته است که، نظام تعرفه‌های ترجیحی دو و چند جانبه ناقض اصول آزادسازی تجاری سازمان تجارت جهانی و اصول تجاری مانند رفتار کامله‌الوداد و رفتار ملی نیست و حتی در ایجاد انسجام دائم نرخ تعرفه‌ها و ایجاد

* نوع مقاله: پژوهشی

1. The Preferential Tariff Effect on Integration of Tariffs in the WTO.
 2. Mhabibiim@gmail.com
 3. Hossein.esmaeilnasab@gmail.com
- DOI: 10.22067/le.v26i16.67120

ثبات پایدار در توسعه کشورهای در حال توسعه به ازای اعطای یارانه، به بخش‌های تولیدی - صنعتی می‌تواند مفید باشد، اما اجرای صحیح آن جهت یکپارچه شدن تعرفه‌ها، نیازمند نظارت دقیق و به‌کارگیری شیوه‌های نوین مانند تنوع‌بخشی به اقسام تعرفه با تثبیت نرخ به‌عنوان پایه در زمان مذاکره عضویت و یا اخذ گزارش‌های منظم دوره‌ای از کشورهای استفاده‌کننده از نظام تعرفه ترجیحی به‌منظور ارتقای سطح تولید کالاها بر اساس قواعد مبدأ است.

کلیدواژه‌ها: قرارداد تعرفه ترجیحی، یکپارچگی نظام تعرفه‌ها، سازمان تجارت جهانی، آزادسازی تجاری.

طبقه‌بندی JEL: K10, A12, B20, P47

مقدمه

شواهد تاریخی و معاصر نشان می‌دهد، برای کشورهایی که از لحاظ فناوری عقب مانده‌اند، توسعه بدون حمایت تجاری (که تعرفه‌ها مهم‌ترین رکن آن است) و بدون یارانه‌ها، اگر غیر ممکن نباشد، بسیار دشوار خواهد بود و شواهد نشان می‌دهد آزادسازی تجاری تنها زمانی به‌خوبی کار می‌کند که تدریجی و به‌عنوان بخشی از سیاست صنعتی شدن بلندمدت، گزینش شده باشد (Chang, 1390). تقریباً تمامی کشورهای توسعه‌یافته امروز، اقتصادهای خود را با بهره‌گیری از تعرفه‌ها و یارانه‌ها طی قرون نوزدهم و بیستم سامان داده‌اند و پس از سال‌ها تلاش و پیگیری مستمر کشورهای در حال توسعه جهت تعدیل نابرابری اقتصادی شکل گرفته و به‌ویژه با طرح موضوع در نهادها و مجامع وابسته به سازمان ملل متحد، من جمله کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (آنکتاد)، مقرر گردید که کشورهای صنعتی جهان به‌منظور کاهش تبعیض در تجارت بین‌المللی و نیز فراهم نمودن زمینه رشد تجارت خارجی سایر ملل و افزایش سهم آنان در مبادلات بازرگانی، نسبت به کالاها و محصولات صادراتی کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته، امتیازاتی فراتر از امتیازات دو جانبه و متقابل در دور دو حه بگیرند و از این طریق تسهیلاتی برای جهان رو به توسعه فراهم شود تا این کشورها بتوانند کالاها و محصولات صادراتی خود را با شرایط بالنسبه آسان‌تر به بازار کشورهای صنعتی عرضه نمایند (6: behnam mojtahedi, 1996). اولین قدمی که در این زمینه برداشته شد، ایجاد «نظام عمومی ترجیحات» می‌باشد که با همکاری و تحت حمایت آنکتاد برقرار گردیده است. در چارچوب این‌گونه ترتیبات، اکثر کشورهای صنعتی از جمله

اعضای اتحادیه اروپا، برای بسیاری از کالاها و محصولات تولید شده در کشورهای در حال توسعه تعرفه‌های ترجیحی^۱ قائل شدند (taremsari, 2007: 112). نرخ این گونه تعرفه‌ها معمولاً پایین‌تر از تعرفه‌های کامل‌الوداد است و به‌علاوه بر اساس این ترتیبات گروه‌هایی از کالاهای کشورهای در حال توسعه در بازار کشورهای پیشرفته از توان رقابتی بهتری برخوردار می‌گردند و مضافاً واردکنندگان این کشورها ترغیب می‌شوند که در شرایط مساوی نیازهای وارداتی خود را از کشورهای در حال توسعه تأمین نمایند و این یعنی، ایجاد شرایط رقابت و انعطاف‌پذیری اقتصادی (Jean-Pierre Chauffour and Jean-Christophe Maur, 2011: 30). این اقدام جهت توانمندسازی تولید و ارتقای کیفیت در کشورهای در حال توسعه، دارای اهدافی در نظام ترجیحات از سازمان تجارت جهانی به شرح ادامه می‌باشد (Pakdaman, 2000: 30-31):

کمک به درآمدهای صادراتی کشورهای در حال توسعه، حمایت از روند صنعتی شدن این کشورها و سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه.

مطابق با این اهداف، مهم‌ترین طرح‌های ترجیحاتی که در زمان حاضر اجرا می‌شود عبارتند از:

۱- نظام عمومی ترجیحات^۲

۲- کنوانسیون لومه یا توافقات مربوط به اتحادیه اروپا و کشورهای آفریقایی، حوزه دریای

کارائیب و اقیانوس آرام، ۳- توافقات منطقه مدیترانه، ۴- توافق‌نامه ویژه ترجیحات^۳.

تفاوت عمده اکثر نظام‌های ترجیحاتی (قرارداد تعرفه ترجیحی)^۴ با موافقت‌نامه بازرگانی منطقه‌ای و دوجانبه، در این است که نظام‌های ترجیحاتی جنبه متقابل یا معامله متقابل ندارند و امتیازاتی هستند که به‌طور یک‌جانبه به‌وسیله کشورهای اعطاء کننده ترجیح به کشورهای در حال توسعه یا کشورهای دریافت کننده ترجیح داده می‌شود (Hosseini, 2007: 47)، لازم به ذکر است که استفاده از این امتیازات، مستلزم احراز شرایط متعددی از سوی کشورهای دریافت کننده نظام ترجیحی، در صادرات کالاها و محصولاتشان در اتحادیه‌ها و کشورهای اعطاء کننده این امتیازات تجاری می‌باشد. حال سؤال این است، اعمال تعرفه‌های ترجیحی از سوی کشورهای

1. Preferential Tariff.
2. Generalized system of preference (GSP)
3. special Generalized system of preference (sGSP)
4. PTAs (preferential tariff agreements)

عضو سازمان تجارت جهانی، عاملی مؤثر در خلق و توسعه تجارت و صنعت میان کشورهای عضو است یا انحراف تجاری؟ ادامه روند انعقاد قراردادهای تجاری با تعرفه ترجیحی در ترتیباتی دو یا چند جانبه و حتی منطقه‌ای میان کشورها، چگونه می‌تواند موجب یکپارچگی نظام تعرفه‌ها در سازمان تجارت جهانی شود؟

باید گفت، ترتیبات تجارت ترجیحی، خفیف‌ترین نوع همگرایی اقتصادی است که کشورهای امضاء کننده آن توافق می‌نمایند بر واردات از یکدیگر، نرخ‌های تعرفه ترجیحی اعمال نمایند که لزوماً این روند همسو با آزادسازی تجاری و تبعیض در برابر طرف‌های ثالث این نوع تجارت است (Saqeb, 2008: 201) که در قالب چهار بند این مقاله، در ابتدا دلایل استفاده از تعرفه ترجیحی و توجه سازمان تجارت جهانی به آن را واکاوی و در بند دوم، آزادسازی تجاری را که از اهداف اصلی سازمان مذکور است در پرتو استفاده از قراردادهای تعرفه ترجیحی بررسی نموده‌ایم. در بند سوم نیز، ضرورت‌های یکپارچگی نظام تعرفه‌ها در کشورهای در حال توسعه، را ارزیابی و در بند چهارم، معیارهای جدید و کیفی که در یکپارچگی نظام تعرفه‌ها با استفاده از تعرفه‌های ترجیحی باید انجام شوند را، تبیین و به بیان نتیجه‌گیری پرداخته‌ایم.

دلایل استفاده و تأثیرات قرارداد تعرفه ترجیحی در سازمان تجارت جهانی

دلایل استفاده از قرارداد تعرفه ترجیحی

برای کشورها بسیار ضروری است که تعرفه‌ها را طبق شرایط و اوضاع و احوال تغییر دهند، زیرا از این طریق اقداماتی را علیه قاچاق با اعمال قراردادهای تعرفه ترجیحی انجام می‌دهند و حتی، پتانسیل‌های صادراتی خود را نیز جهت تقویت بهتر شناسایی نموده و با مدیریت صحیح، محصولات خود را از لحاظ کیفی ارتقاء می‌بخشند و به سوی رقابتی شدن اقتصاد حرکت می‌کنند (Behiksh, 2014: 3-6).

تجربه صنعتی شدن کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که آن‌ها به تدریج اقدام به آزادسازی تجاری کرده‌اند و از اقدامات گوناگون حمایتی (مانند یارانه) و مداخله گرایانه (به‌ویژه تعرفه‌ها) برای ارتقاء صنایع خود بهره برده‌اند (Tavakoli, 2015: 17)، چراکه پنج کشور از شش کشور صنعتی که سریع‌ترین رشد را در عصر طلایی کاپیتالیسم داشته‌اند (۱۹۵۰-۷۳) کشورهایی با تعرفه

بالا بوده‌اند (کشورها به ترتیب رشد اقتصادی: ژاپن ۸/۰۶ - ایتالیا ۴/۹۵ - اتریش ۴/۹۴ - فنلاند ۴/۲۵ - فرانسه ۴/۰۵) (Chang, opcit: 59). نباید فراموش نمود که جهت تحریک و تشویق به تجارت بیشتر، باید به یکپارچگی بهتری نیز دست یافت، یکپارچگی در تصمیم به امضای توافقات پایدار و عمیق که نتایجی را در ساختار تجاری و تولیدی شبکه جهانی به همراه دارد، زیرا یکپارچگی عمیق در نظام قراردادهای تعرفه‌های ترجیحی، شامل نظم بخشیدن به نظام داخلی در بحث تعرفه‌ها و کاهش تعرفه‌های اعمالی، در نهایت کاهش ریسک سرمایه‌گذاری به‌طور جدی می‌گردد (http://www.wto.org, 2015, p 45). هرچند از دیرباز کشورها نسبت به اعمال و استفاده از قراردادهای تعرفه‌ای به‌صورت ترجیحی از خود تمایل نشان می‌دادند اما وجود مقررات حمایتی در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۴۷ (موسوم به گات)^۱ خصوصاً مواد ۱۸ (بند الف) و ۱۹ (بند ب) بر این امر صحنه گذاشت تا کشورها جهت کنترل محصولات خاص و یا جهت اعطای حمایت تعرفه‌ای مورد نیاز برای ایجاد یک صنعت خاص، اقدام به استفاده از نظام تعرفه‌های ترجیحی نمایند (Bigzadeh, Ebrahim et al, 2003: 337-344).

تأثیرات قراردادهای تجارت ترجیحی بر نظام تعرفه‌ها

درک وابستگی تجاری میان منطقه‌گرایی و چند یا همه‌جانبه‌گرایی موضوعی جدید در مطالعات تجارت بین‌الملل نیست، چراکه امروزه در خصوص تأثیرات قراردادهای تجارت ترجیحی تمرکز بالایی شده تا تأثیرات آن بر کشورهای ثالث و نظام کلان تعرفه‌ها و ارتباط آن با آزادسازی تجاری و رشد اقتصادی در سازمان تجارت جهانی روشن شود (Shouti, 2015: 33-34). کارکرد قراردادهای تعرفه ترجیحی در کاهش دادن به تعرفه‌ها و ایجاد شرایط تدریجی تجارت آزاد به‌صورت چند جانبه است چراکه، ممکن است تجارت آزاد به‌طور کامل و طی یک دوره کوتاه و میان‌مدت برای مساعدسازی شرایط رقابت تجاری و تولید محصولات را منجر نشود اما مطمئناً کاهش تعرفه‌ها را به دنبال دارد (World trade report 2011)، امری که موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت نیز به دنبال آن بود.

1. General agreement on tariffs and trade.

مُبرهن است که، قراردادهای تجارت با تعرفه ترجیحی میان کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی، می‌تواند نفوذ این سازمان را در نظم دادن به روابط تجاری کشورها گسترش دهد و شروط انحصاری کشورها در تجارت و محدودیت‌های غیر تعرفه‌ای آن‌ها در تجارت را محدود کند. موضوعی که ضعف بزرگی در انسجام بخشی به روابط تجاری چند جانبه تجاری، از دیرباز بوده است و موجب خارج شدن کشورها از تجارت انحصاری داخلی و گشوده شدن افق‌های تجاری و همکاری نوین با دیگر کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی و تطبیق تدریجی با اهداف این نهاد است (Chow c, Gregory, 2008: P 25). لذا اهمیت بالای قراردادهای تجارت ترجیحی موجب شد تا در دهه ۱۹۹۰ انعقاد آن رشد چشم‌گیری یابد و به بیش از دو برابر در سال ۱۹۹۵ تبدیل و حتی به حدود $\frac{1}{3}$ بیشتر، در دهه اول قرن ۲۱ رسیده و نزدیک به ۳۰۰ قرارداد تجارت ترجیحی فعال در سال ۲۰۱۰ برسد.^۱ امروزه، انعقاد قراردادهای تجارت ترجیحی سعی در گسترش منطقه‌گرایی تجارت میان کشورها با تمرکز بر کاهش اختلافات و ممنوعیت‌های تجاری و هزینه انجام بازرگانی و برداشتن ممنوعیت‌های داخلی-محلی با اعمال شدن تعرفه ترجیحی دارد؛ علیرغم تفاوت‌هایی که کشورها به لحاظ تفاوت‌های فرهنگی، تئوری و اجتماعی با یکدیگر دارند. امروزه تعرفه‌های ترجیحی در روابط کشورهای متفاوت در سطح توسعه‌یافتگی نیز جایگاه خوبی یافته است، زیرا موجب حمایت در سطوح بالا از مالکیت فکری و سرمایه‌گذاری خارجی و تضمین بیمه‌ای بهتر میان کشورهای در حال توسعه (سرمایه پذیر) و توسعه یافته (غالباً سرمایه‌گذار) می‌شود که بالطبع در اصلاح نظام تعرفه‌ها و ارتقای سطح کیفی محصولات کشورها در آزادسازی نهایی تعرفه‌ها و مبادلات که از اهداف گات و سازمان تجارت جهانی بوده و می‌باشد، مؤثر است؛^۲ موضوعی که در جریان مذاکرات دور دو حه نیز مورد تأکید است (Halle, 2005: 4-5). از سوی دیگر روی آوردن به سمت تعرفه‌های ترجیحی با نرخ تعرفه‌های مورد توافق، منجر به تبدیل موانع غیر تعرفه‌ای به تعرفه‌ها، و از بین رفتن تدریجی اختلافات تجاری و آزادسازی تجاری با تثبیت تعرفه در سطوح منطقه‌ای و محکم شدن پایه‌های تجارت می‌شود؛ موضوعی که مانع از ایجاد

1. World trade report 2011, opc.it, p 187.

۲. برای مثال در بند ۵ م ۲۶ گات (پارگراف الف و ب) صراحتاً به امکان داشتن قلمرو گمرک مجزا یا نظام تعرفه‌ای خاص اشاره شده است.

محدودیت در بازارها و جداسازی اقتصادها از یکدیگر در رقابتی ناسالم می‌شود (Lomoshini, et al, 1998: 7-8).

تعامل آزادسازی تجاری با چگونگی اعمال قراردادهای تعرفه ترجیحی

در بند اول این بخش، ابتدائاً شرایط اعمال قراردادهای تعرفه ترجیحی با توجه به اصل مهم سازمان تجارت جهانی، یعنی آزادسازی تجاری بررسی شده است و در بند دوم، ضوابطی که به منظور نقض نشدن قوانین دامپینگ در اثر استفاده از تعرفه‌های ترجیحی رُخ می‌دهد و باید رعایت شوند، پرداخته شده و در بند سوم، لیبرالیسم اقتصادی و تأثیرپذیری آن از گسترش قراردادهای تعرفه ترجیحی در سطوح مختلف، واکاوی شده است.

شرایط اعمال

معمولاً کشورها به منظور رشد و توسعه اقتصادی و ادغام در اقتصاد جهانی با سایر کشورها وارد مذاکرات تجاری می‌شوند تا نیازهای داخلی را تأمین و شرایط مناسب برای صادرات کالاهای دارای مزیت رقابتی خود را فراهم و در نتیجه حجم تجارت خود را با انعقاد قراردادهای مشترک سرمایه‌گذاری^۱ افزایش دهند (Hasibi, 2011: 27-28). لذا از ویژگی‌های بارز مذاکرات تجاری در مراحل اولیه، تمرکز بر موضوع حمایت‌های تعرفه‌ای و تلاش به منظور کاهش این موانع جهت افزایش حجم تجارت فی مابین می‌باشد. موضوع بسیار دشوار که نیازمند شناخت طرفین مذاکره و تجارت از نرخ‌های تعرفه‌ای، تعداد ردیف‌های تعرفه‌ای یکدیگر و بسیاری از مؤلفه‌های دیگر است، امری که در مذاکرات چندجانبه و منطقه‌ای انجام آن، بسیار زمان‌بر و دشوار است و حتی عاملی مهم در ایجاد گروه‌های اقتصادی همچون، بریکز و G20 بوده است تا بر بحران‌های اقتصادی جهان و اختلاف نظرها، فائق آیند و در نهایت، به هدف آزادسازی تجاری در سازمان تجارت جهانی دست یابند (Pourahmadi, 2013: 90-91). بررسی نظریات و تئوری‌های تجارت جهانی حاکی از آن است که تجارت آزاد منجر به استفاده کارا و بهینه از منابع تولید جهانی

1 . BIT (bilateral investment treaty).

خواهد شد، چراکه باز کردن بازارها در جابجایی مواد و کالا و نیروی کار، می‌تواند سودمند باشد، اما نیازمند تعدیلاتی است. اعمال تعرفه‌های ترجیحی به کشورها اجازه می‌دهد که تغییرات را به تدریج از طریق آزادسازی مستمر اعمال کنند و در این میان، کشورهای در حال توسعه، فرصت بیشتری دارند تا تعهداتشان را در مذاکره به منظور کاهش تعرفه‌ها در بخش‌های کشاورزی - خدمات و صنعت اجرا و صنایع خود را با اصول کامله‌الوداد و رفتار مناسب ملی، مناسب‌سازی کنند (Irvani, 2004: 8). امروزه کشوری براساس موافقت‌نامه گات و اسناد سازمان تجارت جهانی، محدودیت تجاری ایجاد نمی‌نماید (در اصطلاح به این نوع محدودیت‌های دولتی، سیاست‌های بازرگانی^۱ گفته می‌شود) (Saqeb, 2011: 1-2)، چراکه از ایجاد محدودیت‌های غیر تعرفه‌ای و تعرفه‌ای منع شده‌اند و انجام این اقدامات که به منظور حمایت تولیدات داخلی‌شان است، موجب شده تا امروزه حدود ۳۰ درصد از اختلافات کشورهای عضو WTO در خصوص قراردادهای تعرفه ترجیحی و نقض اصول این سازمان همچون کامله‌الوداد و رفتار مناسب ملی و یا آزادسازی تدریجی باشد (World trade report 2011, op.cit, p 165). سؤال مهم در تجویز اعمال قرارداد تعرفه ترجیحی با توجه به سوابق متعدد موجود در سطح جهان، چگونگی اعمال این نوع قراردادها و تأثیر آن بر نظام تعرفه‌ها و کاهش نرخ آن است؟

مسلماً استفاده از قرارداد تعرفه ترجیحی، رابطه مستقیمی با کاهش تعرفه‌ها مطابق استانداردهای کامله‌الوداد و رفتار مناسب ملی ندارد؛ اما بی‌تأثیر در افزایش رفاه عمومی میان کشورهای یک بلوک اقتصادی نیست. امری که نه تنها مورد تأیید سازمان تجارت جهانی است بلکه این سازمان مطابق قواعد دور دوحه که محدودیت‌های را بر گسترش قرارداد تجارت ترجیحی وضع نموده است، انجام این نوع قرارداد تعرفه‌ای را تصدیق می‌کند؛ چراکه کشورها به دلیل تمایلاتشان و مطابق موافقت‌نامه عمومی تجارت و خدمات و مذاکرات دور دوحه در صدد تحقق آن هستند. در واقع به خاطر ارتقای رفاه انسانی است که قاطعانه از آزادسازی تجارت حمایت می‌شود و این امر به بهترین شکل در مقدمه موافقت‌نامه تأسیس سازمان تجارت جهانی آمده است و صرف تجارت هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف مهم‌تر، یعنی دسترسی آزادانه و ارزان به

1. Commercial policies.

کالا و خدمات برای تمام مردم جهان است (Bozorgi, 2007: 16). به‌رحال قرارداد تعرفه ترجیحی، مستقیماً به قواعد سازمان توجه دارند و در آن قواعد، حتی محدودیت‌های تجاری^۱ اعمال می‌شود، امری که از ۱۹۹۵ توسط کشورهای عضو، هم‌راستا با قواعد سازمان تجارت جهانی، مورد تأکید اجرایی و حمایتی طرفین عضو بوده است.

قراردادهای تعرفه ترجیحی و نظام ضد دامپینگ

سازمان تجارت جهانی با هدف دسترسی آزاد به بازارهای جهانی و کاهش تعرفه‌ها و تسهیل در امر صادرات و واردات، براساس رفتاری غیر تبعیض‌آمیز به بازار کشورهای عضو، بدون ایجاد موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای و یا هر موقعیت دیگری که مانع از دستیابی به منافع سایر اعضا شود، تشکیل و اعمال مغایر را نقض توافق‌نامه دانسته است. موضوعی که موجب شده قواعدی در راستای حمایت از کشورها در مسائلی چون دامپینگ وضع و مورد استفاده قرار گیرد (Farrokh Sa, 2006: 94).

به‌عنوان نمونه در سال ۲۰۰۹، آمریکا با قواعد مرتبط با دامپینگ سازمان تجارت جهانی، به مبارزه با لاستیک‌های چینی با تعرفه بیش از ۳۵ درصدی رفت. چین نیز در بخش حل اختلاف سازمان تجارت جهانی تلاش خود را انجام داد اما در نهایت شکست خورد. در سال ۲۰۱۱ نیز آمریکا علیه قیمت کم سلول‌های انرژی خورشیدی چینی بر اساس قانون ضد دامپینگ به سازمان تجارت جهانی شکایت برد و چین نیز در مقابل با شکایت علیه واردات جوجه‌های کباب یا سرخ شده آمریکایی، واکنش به این کشور نشان داد. مورد دیگر شکایت آمریکا علیه تعرفه‌های خودروهای وارداتی این کشور به چین بوده است، تعرفه واردات برای خودروهای بزرگ یا وسایل حمل‌ونقل اسپرت آمریکایی به چین، بین ۲ تا ۲۱/۵ درصد است (China and the US have been involved in the WTO for three times, 2015: 45). با توجه به تأثیری که تعرفه‌های ترجیحی، با استفاده از نظام عمومی ترجیحات (GSP) بر قیمت‌ها و عرضه در بازار و رقابت می‌گذارند، دامپینگ را می‌توان به دو دسته از نظر مدت تقسیم کرد؛ کوتاه‌مدت و بلندمدت

1. TBT (technical barriers to trade).

(Shiravi, 2010: 3). سؤال این است که کشورهای دارای صنعت قوی و بازارهای کارآمد، در صورت انعقاد قرارداد تعرفه ترجیحی و تولید کالاها با نرخ تمام شده ارزان با کشورهای در حال توسعه، با توجه به اصول آزادسازی تجاری سازمان تجارت جهانی و نظام عمومی ترجیحات، آیا کشورهای در حال توسعه و یا طرف قرارداد تعرفه ترجیحی می‌توانند با استفاده از قواعد مبدأ دامپینگ انجام دهند؟ مسئله‌ای که موجب شد نخستین مقررات بین‌المللی مقابله با دامپینگ با تصویب موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۴۷ در موارد ۱۸ و ۱۹ (بند ب) مورد تصویب قرار بگیرد.

بر اساس ماده الحاقی به ماده ۶ مقررات سال ۱۹۹۴ گات در مورد واردات از کشوری که در آن، امتیازات انحصاری تجاری وجود دارد و تمام قیمت توسط دولت تعیین می‌شود، مشکلاتی در تعیین بهای قابل مقایسه وجود خواهد داشت و باید در نظر داشت در چنین کشورهایی مقایسه بها با بهای داخلی فروش محصولات، امری منطقی و قابل قبول نخواهد بود. این ماده الحاقی، در گذشته برای نفی هزینه‌ها و قیمت‌ها در کشورهای دارای «اقتصاد غیر بازاری» مورد استفاده قرار می‌گرفت، چراکه قیمت‌ها در این کشورها توسط دولت و نه توسط خود بازار تعیین می‌گردید (tavakoli, opcit: 111). این ماده تنها این امر را پذیرفته که قیمت داخلی، در چنین اقتصادهایی ممکن است قابل اعتماد نباشد و چیز بیشتری بیان نمی‌کند. از آنجا که موافقت‌نامه در این خصوص ساکت است، نحوه تعیین ارزش عادی در کشورهای با اقتصاد غیر بازاری بسیار متنوع است و بستگی به این دارد که کشور وارد کننده کالای پایین‌تر از نرخ تجاری، آن را چگونه تفسیر کند. مسئله مهمی که موجب شده در سکوت سازمان تجارت جهانی، مشکلات بسیاری برای کشورها در برخورد با کشورهای دارای اقتصاد غیر بازاری ایجاد نماید (William Watson, 2012: 350). برای شناسایی عامل مؤثر بین دامپینگ و خسارت اقتصادی، حد دامپینگ به دست آمده در ارتباط با واردات از هر کشور، نباید بیشتر از ۲ درصد بهای صادرات باشد؛ یعنی به‌طور عادی بیشتر از ۳ درصد واردات محصول مشابه در بازار کشور وارد کننده باشد. اقدام قانونی کشور وارد کننده به دلیل وجود قرارداد تعرفه ترجیحی یا نظام عمومی ترجیحات؛ می‌تواند وضع تعرفه خاص بنام تعرفه ضد قیمت‌شکن باشد، چون در صدد آن است تا اختلاف قیمت‌هایی را که در نتیجه دامپینگ به وجود آمده‌اند را برطرف سازد؛ چراکه این اقدام قانونی (تعرفه ضد قیمت‌شکن) از سوی سازمان تجارت جهانی و ادوار مذاکرات تجاری در چارچوب موافقت‌نامه عمومی و تعرفه تجارت نظیر

دور توکیو و دور اروگوئه پذیرفته شده و از آن برای کشورهای عضو، مجاز شمرده شده است (sageb, 2011: 5).

موضوعی که در قواعد سازمان و اسناد مبارزه با دامپینگ پیش بینی نشده است، نوعی از دامپینگ در حال رایج شدن است که محصولات یک کشور با بخش‌هایی وارد شده از کشور یا کشورهای دیگر (در قالب اتحادیه آزاد گمرکی یا قرارداد تعرفه ترجیحی) ساخته می‌شوند که لازم است سازمان نسبت به این موضوع، به صورت جدی‌تر اتخاذ تصمیم کند و راهکارهایی را بیندیشد چراکه با شواهد موجود، می‌توان گفت که قوانین ضد دامپینگ، خود به موانع غیر تعرفه‌ای جدیدی تبدیل شده‌اند (Katorea, Graham, 2004: 55).

تأثیر قراردادهای تعرفه ترجیحی در اجرای لیبرالیسم اقتصادی

اگرچه در ماده ۲۴ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت صریحاً تشکیل اتحادیه‌های گمرکی و مناطق آزاد تجاری تجویز شده اما در بند ۴ ماده ۲۴ اشاره دارد که ایجاد چنین مناطقی نباید موانعی را بر سر راه تجارت با اعضاء دیگر به وجود آورد و حتی حقوق گمرکی که در هنگام تشکیل این اتحادیه یا انعقاد موافقت‌نامه موقت در خصوص تجارت با اعضاء متعاهد غیر عضو این اتحادیه یا موافقت‌نامه وضع می‌شوند، در مجموع بیشتر یا محدود‌کننده‌تر از حدود کلی عوارض و مقررات تجاری مجری در همان سرزمین‌ها قبل از تشکیل اتحادیه‌ها یا انعقاد موافقت‌نامه موقت بر حسب مورد نخواهد بود (Shiravi, 2010: 96-97). در ماده ۲۸ مکرر موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت در توضیح مذاکرات مربوط به تعرفه و توجه به آزادسازی تدریجی اقتصادی بیان شده که مذاکرات در اعمال تعرفه‌ها به صورت ترجیحی ممکن است بر مبنای موردی کالاها یا با اعمال روش‌های چند جانبه ای انجام گیرد و کشورهای عضو می‌پذیرند که به طور کلی موفقیت مذاکرات چند جانبه بستگی به شرکت تمام اعضاء متعاهدی خواهد داشت که، بخش مهمی از تجارت خارجی آن‌ها به صورت متقابل، جریان دارد (مانند چین با آمریکا - اتحادیه اروپا و روسیه). لذا در سازمان تجارت جهانی اعمال تعرفه‌های ترجیحی بر پایه اصول مذاکراتی زیر پذیرفته شده است (Pierre Chauffour and Christophe Maur, op.cit: 30):

الف) توجه به نیازهای یکایک کشورهای عضو و یکایک صنایع

ب) نیاز کشورهای با حداقل توسعه به منظور استفاده انعطاف‌پذیرتر از حمایت تعرفه‌ای جهت

تسهیل توسعه اقتصادی آن‌ها و نیازهای خاص این کشورها برای حفظ تعرفه‌ها به منظور کسب درآمد

ج) کلیه اوضاع و احوالی که در خور توجه است، از جمله نیازهای کشورهای عضو مورد بحث در خصوص درآمد مالیاتی و توسعه و نیز نیازهای استراتژیک و سایر نیازها. البته این اصول پذیرفته شده در ماده ۲۸ گات، باید به صورت غیر تبعیض آمیز اعمال شوند و اصل رفتار مناسب ملی تضمین نماید که، هر عضو سازمان از مزایای تعرفه‌ای پایین تر استفاده نماید، جز در موارد اعمال شده در ماده ۲۴ (ایجاد اتحادیه گمرکی و مناطق تجارت آزاد یا تعرفه‌های ترجیحی) موافقت‌نامه گات (4: Shagwat, 2005). مطابق اهداف سازمان تجارت جهانی در اجرای لیبرالیسم اقتصادی، اعمال قراردادهای تعرفه ترجیحی باید در جهت ایجاد یکپارچگی نظام تعرفه‌ها و با تاریخ مشخص و هدف گذاری شده انجام شود تا کشورهای هدف یا در حال توسعه نیز به طور مؤثر ترقی نمایند و متضرر نگردند و از همین رو، ایالات متحده و اتحادیه اروپا به عنوان مناطق توسعه یافته، در حال اعطای مقررات این نظام، به کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته به منظور توانمندسازی شان، هستند (Ibid: p 5)؛ بنابراین، برای گسترش و ترویج قراردادهای تعرفه ترجیحی باید به مقوله غیر تبعیض آمیز بودن و به صفر رساندن با برنامه و درازمدت تعرفه‌ها در آزادسازی تعرفه‌ها و استفاده از اصول مذاکره‌ای جدید با نرخ تعرفه پایه حداقلی، توجه دقیق تری نمود و نباید بر صرف آزادسازی تجاری تأکید شود.

ضرورت یکپارچگی نظام تعرفه‌ها و کشورهای در حال توسعه

در بند ۷ ماده ۱۰ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت، صریحاً به امکان اصلاح مقررات موافقت‌نامه‌های تجاری چندجانبه و انجام مصوبات مورد نظر که به شیوه اجماع اعضاء کنفرانس وزیران صورت خواهد گرفت اشاره شده است؛ موضوعی که در یکپارچه شدن نظام تعرفه در کشورها ابتدائاً در سطح اتحادیه و سپس تمام اعضای سازمان تجارت جهانی مفید می‌باشد. در راستای برقراری یکپارچی تعرفه‌ای نیز، کدها یا سیستم هماهنگ (H.S¹) که از جمله شیوه‌های

1. Harmonized System.

مورد استفاده در اعمال تعرفه‌های ترجیحی در سازمان تجارت جهانی است، اساس و پایه‌ای قوی در یکپارچه‌سازی و اعطای امتیازات انحصاری است. هرچند مستقیماً نیازمند قواعد سازمان نیستند اما، کشورهای خواهان استفاده از سیستم هماهنگ کدهای تجاری دارای امکان تخفیف در نرخ تعرفه، می‌بایست درخواست اعمال شدن ردیف‌های خاص ترجیحی را به سازمان تجارت جهانی، جهت موافقت بدهند. در این باره، خلأهایی در برخورد با آن در سازمان تجارت جهانی دیده می‌شود اما بسیاری از کشورها به مانند اوکراین، موافقت‌نامه الحاقی به سازمان را در راستای عرف تجاری اجناس و کالاها و جهت اعمال تعرفه ترجیحی اعمال می‌کنند. شواهد نشان می‌دهد، در راستای یکپارچه نمودن نرخ تعرفه‌ها با کد ردیف‌های طبقه‌بندی سیستم هماهنگ، کشورهای در حال توسعه امروزه از شیوه بازرسی پیش از حمل با کشتی و صادرات به کشورشان استفاده می‌کنند تا از طرفی کالاهای غیر مندرج در لیست تعرفه وارد کشورشان نشود و از سوی دیگر، درآمد و سود گمرکی وارداتی خود را در جریان کاهش یکپارچه تعرفه‌ها و اعمال آزادسازی تجاری در طول زمان، از دست ندهند (WTO council for trade in goods, 1999: 6-7)، که این موضوع، انتقادهایی را به دلیل نداشتن رویه و عملکرد خوب و مؤثر در اعمال نظارت از سوی کشورهای در حال توسعه، همواره در پی داشته است. به نظر می‌رسد، در راستای یکپارچه‌سازی نظام تعرفه‌ها (به غیر از محصولات کشاورزی و تولیدات مرتبط با آن گروه)، کشورهای در حال توسعه که منتفع از نظام ترجیحات عمومی و قرارداد تعرفه ترجیحی میان خود هستند، می‌بایست بر اساس پیشنهادهای زیر، اقدام به مذاکره جهت عضویت یا ادامه عضویت در راستای تحقق اهداف دور دوحه و آزادسازی تجاری در سازمان تجارت جهانی نمایند:

الف) اعضای که ملزم به اعمال تعرفه میانگین غیر کشاورزی هستند:

- ۱) در تعرفه‌های بالای ۵۰٪ باید تمامی میانگین تعرفه‌ها را به میانگین ۳۰٪ برسانند.
 - ۲) در خط تعرفه کالاهای ۳۰ تا ۵۰ درصد متعهد شوند تمام تعرفه‌های کالاهای غیر کشاورزی را به زیر میانگین ۲۷٪ برسانند.
 - ۳) در خط تعرفه بین ۲۰ تا ۳۰ درصد، متعهد به کاهش تا میانگین ۱۸ درصد شوند.
 - ۴) در تعرفه‌های زیر ۲۰٪ نیز باید متعهد به کاهش خط به خط تا رسیدن به ۵٪ تعرفه بر محصولات غیر کشاورزی شوند.
- ب) مدت زمان کاهش تعرفه‌ها:

کشورها متعهد شوند که در کاهش تعرفه‌های خود هر ساله از اول ژانویه، یک یا دو طبقه از کد ردیف‌های هماهنگ گمرکی را بین ۳ تا ۱۱ درصد را از زمان به اجرا در آمدن اهداف کاهش تعرفه‌ای یا انعقاد قرارداد تعرفه ترجیحی در قالب قرارداد دو جانبه یا اتحادیه گمرکی، در فرآیندی سه تا ۷ ساله از زمان اجرایی شدن، کاهش دهند تا به اهداف سازمان در آزادسازی دست یابند. این مدت باید از زمان اجرای کامل نظام کاهش تعرفه‌ها در بند فوق (الف) به اجرا درآید (World Trade Organization, 2016: 25-26).

لذا با توجه به لزوم اجرای لیبرالیسم تجاری در درازمدت، کاهش تعرفه‌ها زمانی بیشتر خودنمایی می‌کند اگر دریابیم که، امروزه بسیاری از قراردادهای تعرفه ترجیحی میان کشورهای توسعه یافته (مانند اتحادیه اروپا و آمریکا) با کشورهای در حال توسعه منعقد می‌شود؛ موضوعی که موجب کاهش سود کشورهای مشارکت کننده در آن قرارداد می‌شود اما موجبات ادغام در فرآیند تجارت چند جانبه و آزاد را فراهم می‌آورد (Elbehri, Wanino, 2006: 2-3). البته باید خاطر نشان ساخت که در قواعد سازمان، حمایت‌های ویژه‌ای از صنایع حساس و مرتبط با امنیت کشورها مانند بخش کشاورزی، پارچه و منسوجات همواره اعمال شده است و میانگین تعرفه‌های آن‌ها بالای ۲۵ تا ۴۵ درصد بوده است (Effective protection rates by industry at MFN, 2016: 183) که بیشترین تعداد کشورهای اعمال کننده تعرفه‌های سنگین، کشورهای در حال توسعه می‌باشند زیرا بر اساس موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت، پرداخت یارانه تولید ممنوع بوده اما آن‌ها می‌توانند جنبه‌های حمایتی خاصی را در تعرفه گمرکی اعمال نمایند.

معیارهای کیفی و افزایش یکپارچگی نظام تعرفه‌ها

معیارهای کیفی تعرفه‌ها

به تدریج بعد از انعقاد موافقت‌نامه تعرفه عمومی و تجارت ۱۹۴۸ (گات) نرخ تعرفه‌ها رو به کاهش نهاد اما قبل از آن نرخ عمومی و میانگین تعرفه‌ها ۲۰ تا ۳۰ درصد بود. این امر بعد از مذاکرات فراوان در سال ۲۰۰۹، صرفاً بر اساس ۴ درصد برای تمام کالاهای تولیدی خواسته شده بود، موضوعی که با توجه به سابقه موفق بسیاری از کشورهای در حال توسعه، امری محال نبود اما با توجه به نتایج به دست آمده در دور اروگوئه مبنی بر فرصت ۵ ساله کشورهای توسعه یافته و

فرصت ۱۰ ساله کشورهای در حال توسعه برای یکپارچه‌سازی نظام تجاری، شکاف عمیق اقتصادی میان این کشورها، علاج واقعه را بدون تضمینی در انتقال فناوری، سخت می‌نمود (Bagheri, 2009: 24). برای مثال در راستای اجرای لیبرالیسم تجاری و اقتصادی و اعمال رفتار مناسب ملی برای تمام کالاهای وارداتی، کشورهای توسعه‌یافته نرخ میانگین ۶ درصدی خود در سال ۱۹۸۰ را به حدود ۳ درصد در سال ۲۰۰۹ رساندند و کشورهای آمریکای لاتین (منطقه مرکوسور)، نرخ میانگین تعرفه‌هایشان از ۳۰ درصد در سال ۱۹۹۰ به حدود ۱۰ درصد در سال ۲۰۰۰ رسید و در موردی مشابه کشورهای آسیای شرقی به میانگین ۱۵ الی ۲۰ درصد در سال ۲۰۰۹ رساندند و در آفریقا نرخ عمومی تعرفه‌ها از ۳۰ درصد به ۱۲ درصد در سال ۲۰۰۹ کاهش یافت (World trade report 2011, opc.it, p 124)؛ اما جدای از پایین آمدن نرخ عمومی تعرفه‌ها در مورد کالاها، قراردادهای تعرفه ترجیحی نتوانست موفقیت چندانی در همه بخش‌ها و خصوصاً تولیدات کشاورزی ایجاد نمایند و بلکه حتی برخی زمینه‌های حساس در قراردادهای تعرفه‌های ترجیحی از نرخ‌های حمایتی بالاتری برخوردار گشتند و این به معنی عدم تبعیت نرخ تعرفه‌های ترجیحی با نرخ رفتار مناسب ملی با تولیدات داخلی که از اصول سازمان است، می‌باشد؛ بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که علیرغم پایین آمدن سطح عمومی نرخ تعرفه‌ها و از طرفی حساس بودن برخی صنایع جهت کاهش تعرفه‌ها و عدم امکان این امر، نظام قراردادهای تعرفه ترجیحی به چه منظوری همچنان انجام می‌شود؟ جزئیات آن چیست؟

برای پاسخ به سؤال بیان شده، جزئیات قراردادهای تعرفه ترجیحی به‌دقت باید مورد بررسی قرار گیرند زیرا این قراردادها بمانند گذشته، صرفاً برای کاهش نرخ تعرفه‌ها و یکپارچه نمودن درازمدت نرخ بر اساس اصل کامله‌الوداد و ایجاد بسترهای آزادسازی نهایی نیستند و معیارهای کیفی همچون کاهش نظام ممنوعیت‌های داخلی، حمایت از مالکیت‌های معنوی، سرمایه‌گذاری، نظام خدماتی و حتی حفاظت از محیط‌زیست در تولید کالا و تسهیل در ارسال کالا و خدمات را ترویج می‌نمایند؛ بنابراین، کیفی سازی نظام تعرفه‌ها در قالب قراردادهای تعرفه ترجیحی با یکپارچه‌سازی سیاست‌های تولیدی و تصدیق اقدامات عملی ضد فساد و دامپینگ را نیز می‌تواند، در درازمدت همراه باشد. برای مثال امروزه در قراردادهای تعرفه ترجیحی اتحادیه اروپا و آمریکا با سایر کشورها، موضوعاتی از جمله مذاکرات سیاسی دائمی، تروریسم، ویزا، موضوعات اجتماعی و زیست محیطی، امنیت هسته‌ای، پول شویی، مشارکت‌های صنعتی، مهاجرت‌های غیرقانونی،

حقوق بشر، بهداشت، حمایت‌های مدنی، حفاظت اطلاعات، انرژی، آموزش و پرورش مورد توجه است (horn, 2010: 156).

افزایش همکاری منطقه‌ای و ایجاد یکپارچگی تعرفه‌ای

باید پذیرفت که تمامی قراردادهای تعرفه ترجیحی ترویج دهنده شبکه هماهنگ بین‌المللی تولید و خدمات، به‌منظور ایجاد یکپارچگی عمیق نیستند، که نمونه بارز آن همکاری منطقه‌ای آفریقا است که در درون خود نیز اتحادیه دیگری به نام اتحادیه کشورهای شمال آفریقا را تشکیل داده‌اند (tavakoli, opcit: 156). غالباً عواملی همچون لزوم برقراری یکپارچگی سیاسی و اقتصادی در سطوح قاره‌ای و منطقه‌ای موجب تمایل به تشکیل فضاها صنعتی و توسعه اقتصادی مشترک می‌شود و در گذر زمان، انشعاب‌های داخلی نیز پیدا می‌کند زیرا یک اتحادیه و بلوک اقتصادی منطقه‌ای، نیازمند فرآیندهایی نظیر پوشش و حمایت اقتصادی و تحولات هماهنگ گمرکی در سراسر آن اتحادیه یا منطقه است. فهرست و نوع خدمات مندرج در قراردادهای تعرفه ترجیحی، در ایجاد یکپارچگی تعرفه‌های کشورهای نقش بسزایی دارد چراکه برای مثال اتحادیه آفریقا ابتداءً بر کاهش ممنوعیت تجارت کالا متمرکز شده است تا در برنامه دهه‌های آینده خود به موضوع خدمات نیز بپردازد (World trade report 2011, opcit, p 152).

لذا با در نظر گرفتن رفتار مناسب ملی در زمینه تعرفه‌ها از سوی کشورها در یک بلوک اقتصادی، به تدریج سطح رفاه عمومی نیز به همراه یکدست شدن نظام تعرفه‌ها (نه صرفاً کاهش نرخ تعرفه‌ها) ارتقاء می‌یابد زیرا تجربه ثابت کرده است که روابط بین‌المللی یا جهانی شدن اقتصاد به زیان کشورهای درحال توسعه بوده و رابطه مبادله متقابل را به ضرر این کشورها افزایش می‌دهد. مقررات وضع شده گات و تحولات مرتبط با آن و توسعه سیاست‌های آزادسازی بعد از جنگ دوم جهانی، فعالیت تجاری و رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه را با اختلال مواجه نمود و تصویب مقرراتی در گات نسبت به کاهش تعرفه‌های گمرکی و لغو محدودیت‌های غیر تعرفه‌ای و مقررات جدید سرمایه‌گذاری خارجی، کشورهای درحال توسعه را به اتخاذ سیاست‌های هماهنگ و جدید وا داشت، زیرا آن‌ها با مشکلاتی چون انباشت سرمایه، مشکلات ساختاری و زیربنایی، عدم قابلیت رقابت بین‌المللی کالاهایشان، لزوم اجرای سیاست‌های لیبرالیسم اقتصادی و نظارت‌های دولت بر اقتصاد؛ در معرض خطر جدی قرار داشتند (Meshbeki, 2014: 163).

نمونه‌ای از تلاش جهت افزایش همکاری منطقه‌ای در راستای یکپارچه‌سازی تعرفه‌ها، قرارداد مورخ ۱۳/ اوت ۱۹۶۴ (بازار مشترک عربی) می‌باشد که در زمینه گمرکی و سهمیه‌ای یک منطقه مبادله آزاد را به وجود آورد که آن منطقه محصولات با معافیت از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی نقل و انتقال می‌یافتند اما می‌بایست دارای گواهی‌نامه‌ای باشند (گواهی مبدأ) که ثابت نماید، حداقل ۴۰ درصد بهای کل آن جنس تولیدی، ساخت کشورهای عربی می‌باشد (به‌مانند قوانین قرارداد تعرفه ترجیحی اتحادیه اروپا با سایر کشورهای خارج از اتحادیه) که مطابق آن محصولات کشاورزی و منابع طبیعی با معافیت فوری مواجه شد و محصولات صنعتی نیز با آهنگ کاهش ۱۰٪ تعرفه گمرکی در سال برنامه‌ریزی گردید. در سایر مناطق جهان نیز همکاری‌های منطقه‌ای در قالب اتحادیه‌هایی همچون اتحادیه مبادله آزاد جزایر کارائیب^۱، بلوک تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا)^۲، آسه‌آن، شورای همکاری خلیج فارس، اکو و ... انجام شده است و در تمامی آن‌ها، هدف مشترکی به‌عنوان اتخاذ روش ترجیحی در تجارت، هماهنگی در طرح‌های مربوط به توسعه صنعتی، رشد کشاورزی، سیاست مالی دیده می‌شود؛ که مسلماً این امر موجب افزایش یکپارچگی تعرفه‌ها میان کشورهای عضو و تسری آن به سازمان تجارت جهانی در قالب اصل دول کامله‌الوداد می‌شود.

نتیجه‌گیری

در مباحث این پژوهش به تشریح، تأثیر اعمال قراردادهای تعرفه ترجیحی بر یکپارچه‌سازی نظام تعرفه‌ها میان کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی را بررسی و علیرغم اینکه ممکن است بر اثر اعمال تعرفه‌های ترجیحی میان بلوک‌های اقتصادی، انحراف تجارت میان کشورها صورت بگیرد اما عموماً این موضوع اثبات شده است که خلق و توسعه تجارت و صنعت را در پی خواهد داشت و در فرآیند زمانی کوتاه و درازمدت، کشورها را ملزم به رعایت اصل رفتار ملی مناسب و خصوصاً رفتار ملل کامله‌الوداد نسبت به تمامی کشورها می‌نماید اما شرط توانمندسازی سازمان تجارت جهانی که در قالب تجویز استفاده از نظام عمومی ترجیحات و اتحادیه‌های گمرکی

1. Caribbean islands free – trade association.
2. North American Free Trade Area.

مشاهده می‌شود، باید همراه با نظارتی دقیق و تعیین نرخ اولیه برای مذاکره عضویت یا اعلام کدهای گمرکی هماهنگ در زمان اعلام قرارداد تعرفه ترجیحی و جدول زمانی برای آزادسازی تدریجی تجارت نسبت به صنایع دارای حمایت باشد. هرچند بنا بر مقررات قواعد مبدأ، استفاده از تعرفه ترجیحی برای تجارت دو و چند جانبه تا حدودی با تخصیص حداقل ۴۰ درصد در مقررات سازمان تجارت جهانی و دو یا چند جانبه و منطقه‌ای دیده می‌شود و از مراحل تولید یک کالا جهت تجارت میان کشورهای یک بلوک اقتصادی؛ مورد تأکید است اما در راستای یکپارچه‌سازی تعرفه‌ها، در جدولی اعلامی و برنامه‌ای نظارتی از سوی سازمان، این حداقل میزان مشارکت در ساخت از ۴۰ درصد باید با ایجاد ساز و کاری، در میان مدت به ۶۰ درصد ارتقا یابد. یافته‌های تحقیق همچنین نشان می‌دهد ایجاد مناطق آزاد تجاری و گمرکی و کاهش تعرفه‌ها با انعقاد موافقت‌نامه تجارت ترجیحی موجب افزایش حجم تجارت، صادرات و واردات درون‌گروهی شده و همچنین آثار رفاهی برای اعضاء به همراه دارد. لذا:

الف) سازمان تجارت جهانی به منظور تحقق اهداف دور دوچه، و کاهش تعرفه‌ها باید شرایط مناسبی را جهت تحقق توانمندسازی کشورهای جنوب از طریق انتقال فناوری کشورهای صنعتی فراهم آورد.

ب) با توجه به مفاد اصل ۲۴ موافقت‌نامه گات، کشورهای عضو بلوک‌های منطقه‌ای، برای ادغام و یکپارچه شدن تعرفه‌های داخلی‌شان در نظام تجارت جهانی، راهی جز ترسیم یک جدول زمانی برای کاهش تعرفه‌ها و حرکت به سمت ایجاد منطقه آزاد تجاری ندارند و باید از طریق آن نهادهای منطقه‌ای به‌عنوان دریچه‌ای برای ورود به سازمان تجارت جهانی و تجارت آزاد، اقدام کنند.

ج) کشورهای صنعتی در راستای قوانین سازمان از نظام عمومی ترجیحات و قرارداد تعرفه ترجیحی به منظور فشار سیاسی و همراه نمودن کشورهای در حال توسعه با خود اقدام می‌نمایند (نه به منظور آزادسازی تجاری و یکپارچگی تعرفه‌ها) و در ازای آن، بازارهای خود را به صورت موقت در اختیارشان جهت صادرات قرار داده و بشدت با ابزارهای قوی‌تر از سازمان تجارت جهانی، اقدام به مهار صادرات آن کشورها به دلایلی چون دامپینگ، تعرفه حمایتی و یارانه در بخش‌های کشاورزی و ... می‌کنند که نمونه بارز آن، اتحادیه اروپاست.

د) سازمان تجارت جهانی باید، نرخ تعرفه پایه‌ای را برای کشورهای در حال عضویت و فرآیند

مذاکره، به نسبت دسته‌بندی‌های مختلف کدهای هماهنگ و مزیت نسبی و مطلق آن کشور در تولید کالا اعلام و با نظارت بیشتر بر کشورهای در حال توسعه استفاده کننده از قواعد مبدأ با حداقل ۴۰ درصد تولید فرآیند کالا، این امر را به بیش از ۶۰ درصد با برنامه‌ای میان مدت ۱۰ ساله و بلندمدت ۲۵ ساله برساند تا تحقق هدف آزادسازی و یکپارچگی نرخ تعرفه‌ها در این سازمان، قابل انجام باشد.

REFERENCES

- [1] Bozorgi, Vahid et al. (2007). the Future of the World Trade Organization, Tehran, Institute for Business Studies and Research, First Edition (in Persian)
- [2] Behnam Mojtahedi, Iraj. (1996). How to Use EU Preferential Tariffs for Export Development, Tehran, Institute for Trade Studies and Research, First Edition (in Persian)
- [3] Bagheri, Mahmood, Hojjatzadeh, Alireza et al. (2009). Implementation of the Principle of Trade Liberalization in the World Trade Organization; Challenges and Opportunities, Journal of Law and Policy Research, Vol. 11, no. 27, Fall and Winter (in Persian)
- [4] Bigzadeh, Ebrahim et al. (2003). International Organizational Law, Tehran, Majid, Volume I, First Edition (in Persian)
- [5] Behiksh, Hossein. (2014). Preferential Tariff Anti-Smuggling Tactics, World Economics Journal, Vol. 13, No. 3412 (in Persian)
- [6] Chang, Hajong. (2011). Why Do Developing Countries Need Tariffs? Translated by: Seyyed Hamid Reza Ashrafzadeh, Tehran, Institute for Business Studies and Research, Second Edition
- [7] China and the US have been involved in the WTO for three times; the economic battle over car tariffs, Chamber of Commerce Magazine, 85, May 2015, June
- [8] Chow c, Gregory. (2008). market socialism and economic development in china, Princeton University, economic research program, no 340, USA, December.
- [9] Elbehri, Aziz, Wanino, John. (2006). preferential tariffs, WTO and developing countries: Do the gain from multilateral market access out weight preferential access, economic research service (USPA), Washington DC, Aug.
- [10] Effective protection rates by industry at MFN (most favored nation), report 1995-2008, p 183, available on <http://www.wto.org>, (1 Jan 2016).
- [11] Farrokh Sa, Farah. (2006). The WTO Dispute Settlement Process, Economics Quarterly, Energy Economics Issues 5, Fall (in Persian)
- [12] Hosseini, Mir Abda. (2007). Iranian Trade Promotion with the European Union, with Emphasis on TCA Draft, Institute for Business Studies and Research, Tehran (in Persian)
- [13] Hasibi, Azin. (2011). Government and Foreign Investors (International

- Standards), Tehran, Its Mayors (in Persian)
- [14] Halle, mark. (2005). Where Are We in the Doha Round? International Institute for Sustainable Development (IISD) Published by the International Institute for Sustainable Development, available on: <https://www.iisd.org>.
- [15] Horn, H, Mavrodīs, P.C and Sapir, A. (2010). beyond the WTO? An anatomy of EU and US preferential trade agreement, the world economy 33 (11).
- [16] Irvani, Mohammad Javad. (2004). Futures Trading (Introduction to World Trade Organization), Tehran, Institute for Business Studies and Research, Second Edition (in Persian)
- [17] Jean-Pierre Chauffour and Jean-Christophe Maur. (2011). Beyond Market Access, Preferential Trade Agreement Policies for Development, The International Bank for Reconstruction and Development, The World Bank publication.
- [18] Katorea, Philip, Graham, John L. (2004). International Marketing, Translated by: Hashem Nicomaram, Mohammad Ali Abdolvand, Tehran, Islamic Azad University of Science and Research, First Edition
- [19] Lomoshini, Jiankar et al. (1998). Nonprofit Tariffs and Obstacles in the World Trade Organization, Translated by: Ahmad Yazdan Panah, Ebrahim Ali Razini, Tehran, Institute for Business Studies and Research, First Edition
- [20] Meshbeki, Asghar. (2014). International Monetary and Financial Organizations, Allameh Tabatabai Branch, Academic Jihad, Tehran (in Persian)
- [21] Pakdaman, Reza. (2000). Special Treatment of Developing Countries in the WTO Legal System, Tehran, Institute for Business Studies and Research, First Edition (in Persian)
- [22] Pourahmadi, Hossein, Abbasi Khoshkar, Amir. (2013). Group 20 Challenges in Transition to Global Economic Crisis 2008 - 2011, Journal of External Relations, Issue 15, Fall (in Persian)
- [23] Sagheb, Hassan. (2008). The Effects of Removing Tariff Barriers among GCC Member States on Iran's Trade Flow, Tehran, Institute for Trade Studies and Research, First Edition (in Persian)
- [24] Saqeb, Hassan. (2011). Iranian Tariff Support in Dual and Multilateral Trade Arrangements, Tehran, Institute for Business Studies and Research, First Edition (in Persian)
- [25] Shouti, Tohid. (2015). Globalization of the Economy of the Country in the Mirror of Free Zones, Tehran, Parastoo Sepid Publications (in Persian)
- [26] Shiravi, Abdolhossein, Jafari Harandi, Mahshid. (2010). Unjust Trade through Dumping and the Ways to Deal with it in the World Trade Organization, Vol. 17, Journal of Private Law (in Persian)
- [27] Shiravi, Abdolhossein. (2011). International Trade Law, Tehran, Position, Third Edition (in Persian)
- [28] Bhagwati, Jagdish. (2005). reshaping the WTO, appeared in eastern economic review, Jan/Feb
- [29] Tarom Sari, Masoud, Sadeghi Yarandi, Seif A. (2007). Developing Countries

- and the Doha Development Agenda at the WTO, Third Edition (in Persian)
- [30] Tavakoli, Ali. (2015). The Role of Preferential Tariffs in Reducing the Impact of Economic Sanctions on Iranian Trade, MSc Thesis, Islamic Azad University, Chalous Branch (in Persian)
- [31] The WTO and preferential trade agreement: from co-existence to coherence, available on <http://www.wto.org>, (2015).
- [32] WTO council for trade in goods, report of the working party on reshipment inspection, Mar, 2d, (1999).
- [33] World trade organization, committee on trade and development dedicated session, work program on small economic, (16/Oct/2016).
- [34] World trade report 2011, the WTO and preferential trade agreement, available on <http://www.wto.org>, (2015).
- [35] William Watson, Keith. (2012). interpreting WTO accession commitment according to their functional relationship, thesis of Washington University.